

امام عسکری (ع) و تصوّف

<?xml encoding="UTF-8?">

از جمله جریان های فاسدی که امام عسکری علیه السلام به شدّت از آن بیزاری جسته و مردم را از گرویدن به آن بر حذر می داشت، گروه «صوفیه» است. این فرقه از آغاز پیدایش تَوْسُط «ابوالقاسم کوفی بهشمیه» توانست تحت پوشش اسلام، عده ای از مسلمانان ساده لوح را بفریبد.

محمّد بن عبدالجبار از امام عسکری علیه السلام نقل کرده که حضرتش فرمود:

از امام صادق علیه السلام در مورد «ابوهاشم کوفی» سؤال شد، امام صادق علیه السلام فرمود: «او فردی بسیار فاسد العقیده بود و مسلکی به نام تصوّف اختراع کرد و آن را مرکزی برای اعتقادات پلید خود قرار داد.» 1

آری، بدعت، خودنمایی، چله نشینی، تعطیل کردن احکام دین، انزوا و... از مظاهر تصوّف است و ائمه علیهم السلام با آن مقابله نموده اند. و موجب تأسف آنکه این روش های غلط گاهی تحت عناوینی همچون: تشیع، ابراز علاقه به اهل بیت علیهم السلام و یا تهذیب نفس انجام می گیرد!

امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به صحابی گرانقدرش، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری فرمود: «زمانی بر مردم فرا می رسد که چهره هایشان خندان، ولی دلهایی تاریک دارند. از دیدگاه آنان، سنت یعنی بدعت و بدعت یعنی سنت. مؤمن را به دیده حقارت می نگرند و فاسق را ارج می نهند. فرمانروایان آنان افرادی نادان و ستم پیشه اند و دانشمندان ایشان دریوزه دربار ستمگرانند. ثروتمندان آنها حقّ تهیدستان را به یغما می برند و کوچک ترها بر بزرگان خود پیشی می گیرند. انسان های نادان از دیدگاه ایشان فردی آگاه و اشخاص حيله گر را مهذب می دانند. میان فرد با اخلاص و انسان مُردّد تمییز نمی دهند. آنان گوسفندان را از گرگ ها باز نمی شناسند. عالمان و اندیشمندان آنها بدترین آفریده های الهی در روی زمین اند؛ چرا که به فلسفه و تصوّف تمایل نشان می دهند. به خدا سوگند! آنها از عقیده [و فطرت] خود برگشته و از راه حق منحرف شده اند. در علاقه و محبّت به مخالفان ما زیاده روی می کنند و شیعیان و دوستداران ما را به گمراهی می کشانند. اگر به جاه و مقامی دست یابند، از گرفتن رشوه سیر نمی شوند و اگر به ذلّت گرفتار گردند، ریاکارانه خدا را پرستش می کنند. آگاه باشید که آنان راه (سعادت و حقیقت) را بر مؤمنان می بندند و مُبَلّغان آئین کافرانند. کسانی که با آنها زندگی می کنند، باید از آنان بر حذر بوده و دین و ایمان خویش را حفظ کنند.»

سپس امام عسکری علیه السلام فرمود:

«ای ابوهاشم! این مطالب را پدرم از پدران بزرگوارش، از جعفر بن محمد علیهم السلام برایم نقل نمود. این

سخنان از اسرار ما است، آنها را جز برای اهلش بازگو مکن.» 2

نفوذ افکار انحرافی و از جمله تصوّف در میان شیعیان، خطری بوده است که بزرگان از یاران ائمه علیهم السلام بدان اهتمام می ورزیده و گزارش آن را به امامان معصوم علیهم السلام منتقل می نموده اند.

احمد بن محمد بن عیسی - از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام - در نامه ای به حضرت چنین گزارش می دهد:

«گروهی یافت شده اند که برای مردم سخنرانی می کنند و احادیثی می خوانند و آنها را به شما و پدران شما نسبت می دهند. در میان آنهاست احادیثی که قلوب ما آنها را نمی پذیرد ولی امکان ردّ این روایات وجود ندارد، چرا که آنها را از پدران شما نقل می نمایند. ایشان دو نفرند؛ یکی، علی بن حَسَکَة و دیگری، قاسم یقطینی.»
وی در ادامه می نویسد:

«از عقاید ایشان است که می گویند: مراد از سخن خدا که می فرماید:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» 3

مردی است که مردم را از فحشاء بازمی دارد نه آنکه مقصود، رکوع و سجود باشد. و مقصود از زکات نیز همان مرد است نه درهم و اخراج مال.

و بر همین منوال، اوامر و نواهی خداوند را تأویل می کنند. بر ما مِتّ بگذارید و راه حق و سلامت از انحرافات را بیان نمایید.»

امام عسکری علیه السلام در پاسخ نوشت:

«این حَسَکَة دروغ می گوید و برای شما همین کافی است که ما او را در زمره دوستان خود نمی شناسیم. خدا، او را لعنت کند. به خدا قسم! که پروردگار، محمّد صلی الله علیه و آله وسلم و پیامبران قبل از او را نفرستاد مگر برای دین خالص و نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم مردم را دعوت نکرد مگر به سوی خدای وحده لاشریک له و ما اوصیا از فرزندان پیامبر نیز بنده خدا هستیم و به او شرک نمی ورزیم. اگر اطاعتش کنیم، بر ما رحم خواهد کرد و اگر نافرمانی اش کنیم، ما را عذاب خواهد نمود. ما بر خدا حَجّت نداریم بلکه حَجّت از اوست بر ما و بر همه خلقتش. من این سخنان را نفی نموده، از این اشخاص بیزاری می جویم؛ شما نیز آنها را رها کنید. خداوند، لعنتشان کند. و آنان را در تنگنا قرار دهید و چنانچه آنها را در مکان خلوت یافتید، سرشان بر سنگ بکوبید.» 4

پی نوشت ها :

1. سفينة البحار، شیخ عباس قمی، ص 145، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس.

2. همان.

3. عنکبوت / 45.

4. رجال الکشی، ج 2، ص 802 و 803، مؤسسه آل